



اصلاح‌طلبان و اعتدالیون بر مسند قدرت، چنین اجازه و اختیاری وجود نداشت» و مانند قبل برای توجیه ناکارآمدی این جریان، این گزاره و تصویر در افکار عمومی القا خواهد شد که «نگذاشتند کار/مذاکره کنیم». خط دیگری که ذیل همین برساخت، بازنمایی خواهد شد، گزاره «رویکرد دوگانه حاکمیت و جریان انقلابی در مواجهه با برجام به‌عنوان مخالفان آن، قبل از قدرت و مدافعان آن، بعد از قدرت» خواهد بود؛ درحالی که هیچ انسان عاقلی نیست که با اصل مذاکره و توافق خوب مخالف باشد و آنچه جریان انقلابی به‌عنوان منتقد، درباره برجام هشدار می‌دادند، راجع و معطوف به اشکالات متنی و فنی و رویکردهای فضاحت‌بار دولت و وزارت خارجه دولت قبل در مذاکرات و پس از آن بود که یکی از نموده‌های آن، قابلیت خروج یکجانبه آمریکا از آن و عدم پایبندی سایر اطراف غربی در معاهده برجام بود که دامنه رسوایی آن تاکنون نیز باقی مانده و تیم جدید مذاکره‌کننده در حال ترمیم آن است.

صورت دوم این سناریو، معطوف به شکست مذاکرات است که در آن صورت نیز دو غایت روانی و میدانی برای آن متصور است؛ نخست، اینکه در صورت شکست مذاکرات، گزاره شماتت‌آلود «زبان دنیا و دیپلماسی را بلد نیستید» در اذهان عمومی تلقین خواهد شد و دوم، این که از طریق شرطی‌سازی بازار و افکار عمومی نسبت به حتمی بودن توافق و رفع تحریم‌ها و ضرورت گشایش اقتصادی، موجبات التهاب و آشوب میدانی در جامعه و بازار را فراهم می‌کنند که این رهیافت آشوب‌طلبانه مذکور در کنار وسایل و اهداف و کنشگران و مبلغان آن، مقتضی است در فرصتی مستقل، مورد بررسی تفصیلی قرار بگیرد. لازم به یادآوری است که بازسازی گفتگمانی جریان‌های مخالف دولت که چندی است تبلیغ می‌شود و شیفت‌گفتگمانی این احزاب از آنچه «اصلاحات قدرت‌محور» می‌خوانند، به سوی آنچه که «اصلاحات جامعه‌محور» می‌نامند را نیز باید در همین راستا تحلیل و تفسیر کرد.

نهایت، این که تمام این تلاش‌هایی که به گوشه‌ای از آنها اشاره شد، معطوف به چند غایت و نیت سوء است و آن، انتقام از ملت و حاکمیت و جریان انقلابی و تطهیر چهره مدعیان مخالف دولت است؛ انتقام از ملتی که در انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و شورای اسلامی شهر، فریب تبلیغات این جریان را نخورد و انتقام از حاکمیت که به دلیل هوشیاری در برابر پدیده شوم نفوذ و خرابکاری، اجازه بقای در قدرت و سوءاستفاده از امکانات رسمی کشور به ایشان را نداد و انتقام از دولت و جریان انقلابی که با کار جهادی در عرصه داخلی و مذاکره آبرومندانه و توازن‌ساز با قدرت‌های خارجی، امکان گشایش اقتصادی را فراهم کرده و مانع از عملیات تحریف و تطهیر چهره جریان غیرانقلابی شده است.



در زمینه تصویرپردازی رسانه‌های جریان مخالف دولت و ضدانقلاب، بهتر است به چند نکته جانبی ولی مهم هم اشاره شود. نخست، اینکه در این روندهای عملیات روانی کلان و خرد - لااقل در مقطع کنونی و در این موضوع - استثناً باید رسانه‌های جریان مخالف دولت را قطب پیشران و پیش‌برنده در عملیات رسانه‌ای و جریان ضدانقلاب را در این برساخت روانی، دنباله‌رو ایشان دانست و این را هم از حیث کمیت و هم از لحاظ کیفیت خروجی رسانه‌های ایشان می‌توان تشخیص داد

ایرانی، نمایش ناهماهنگی و سردرگمی بازوهای اقتصادی دولت، بازتولید خشم اجتماعی نسبت به طرح برخی نمایندگان مجلس موسوم به طرح صیانت از طریق بازنمود مکرر و متکثر، نتایج موهوم عملی شدن آن و هراس افکنی عمومی نسبت به امیکرون و سایر سویه‌های ویروس کرونا از طریق انتشار اخبار و شایعاتی در مورد کمبود واکسن و ظرفیت‌های درمانی با هدف نادیده ماندن خدمات دولت در بخش درمانی مانند کاهش گسترده و چشمگیر میزان ابتلا و فوت بر اثر کرونا، همگی مواردی هستند که هرچند براساس سوءپیشینه جریان مخالف دولت و رهبران آن باید به نحو مستقل مورد تحلیل راهبردی و غایت‌شناسانه قرار بگیرند؛ ولی در هر صورت، وقتی در یک منظر کلان مورد ملاحظه و تحلیل قرار می‌گیرند، برآیندی جز ایجاد ناآرامی نمی‌توان از آن استفاده کرد. باز لازم به ذکر است که خود این ناآرامی و آشوب‌طلبی، هر چند هدفی کلان است؛ اما نسبت به هدف یا اهداف غایی که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد، به مثابه ابزار تلقی می‌شود. اما پازِ روانی و سناریوی کوتاه مدت این جریان که به آن اشاره شد، عمدتاً معطوف به مذاکرات است و وسایل و اهدافی را راجع به آن می‌توان برشمرد. نخست، این که این سناریو را باید یک بازی دووجهی دانست که برای هر دووجه آن، یک سناریو نوشته شده است.

وجه اول این است که مذاکرات با موفقیت روبه‌رو می‌شود و تحریم‌ها رفع می‌شوند؛ در این حالت چنین بازنمایی خواهد شد که «حاکمیت از طریق یک دست‌سازی و تمرکز قدرت در یک جریان، توانسته مذاکرات را به پیش ببرد درحالی که در زمان تکیه

در داخل و ضدانقلاب خارج‌نشین، اصل خبر سفر رئیس‌جمهور به روسیه بود که واکنش این جریان‌ها را در پی داشت؛ برای نمونه در یک روز، روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود به قلم مسیح مهاجری (مدیر مسئول روزنامه) و یادداشت حسین علایی (مدیرعامل مستعفی شرکت هواپیمایی آسمان و رئیس هیأت مدیره شرکت ملی نفتکش ایران) نسبت به این سفر و مفاد آن که هنوز به وقوع نپیوسته، واکنش نشان دادند. گزاره‌های غیرقابل اعتماد بودن روسیه و همسو و هماهنگ بودن پوتین با رژیم صهیونیستی و... در همین دو یادداشت بازتاب داشت که مورد استناد پایگاه‌های خبری ضدانقلاب و جریان نفاق هم قرار گرفت. بستر دوم تصویرسازی این جریان‌ها حول محور سفر آیت‌الله رئیسی به روسیه، انتشار تصویری از گفت‌وگوی اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات با رابرت مالی نماینده آمریکا بود که گزاره‌های وابستگی به روسیه و عدم توجه به منافع ملی و رویکردهای ضدایرانی تاریخی روسیه و مسلوب‌الاختیار بودن مذاکره‌کننده ایرانی در برابر نماینده روس و قربانی شدن منافع ملی و... در ذیل این رخداد بازنمایی شدند. یک توثیق اولیانوف که از آن به‌عنوان کنایه به جواد ظریف استفاده شد نیز رخداد دیگری بود که در کنار انتشار تصویر مزبور در القای گزاره‌های فوق، مورد استفاده قرار گرفت.

محمل سوم در بازنمود تصاویری که گفته شد، مربوط به دو رخداد است؛ یکی، جنگ سرد روسیه با غرب بر سر اوکراین و دیگری، ناآرامی‌های اخیر قزاقستان. گزاره‌های توسعه‌طلبی پوتین، ایران ضعیف؛ باب میل حاکمان کرملین و حمایت روسیه از خشونت و... هم در ضمن این دو رخداد بازنمایی شدند.

در زمینه تصویرپردازی رسانه‌های جریان مخالف دولت و ضدانقلاب، بهتر است به چند نکته جانبی ولی مهم هم اشاره شود. نخست، اینکه در این روندهای عملیات روانی کلان و خرد - لااقل در مقطع کنونی و در این موضوع - استثناً باید رسانه‌های جریان مخالف دولت را قطب پیشران و پیش‌برنده در عملیات رسانه‌ای و جریان ضدانقلاب را در این برساخت روانی، دنباله‌رو ایشان دانست و این را هم از حیث کمیت و هم از لحاظ کیفیت خروجی رسانه‌های ایشان می‌توان تشخیص داد. نکته دیگر، این که تصویرسازی رسانه‌های رسمی برخی احزاب مخالف دولت و نیز اکانت‌ها و فضای غیررسمی منتسب به این جریان، در مورد این رخداد، یک خروجی سه وجهی دارد که مشحون از مضامین و پس‌زمینه تاریخی و سوءاستفاده از آنها است؛ اول، روسوفیل‌نمایی از چهره‌های جریان انقلابی که منتقد غرب‌گرایی دوم‌خردادی‌ها هستند، دوم، قاجارنمایی از جمهوری اسلامی که این را به‌عنوان یک نمونه می‌توان از توثیق‌های پدram سلطانی و سایر افراد وابسته به دولت قبل تشخیص داد و سوم، تزارنمایی از پوتین و دولت روسیه، که با شیوه دوم، رابطه متقابل علی و معلولی دارد.

■ چرا مخالفان دولت چنین می‌کنند؟

در تحلیل رفتار رسانه‌ای گروه‌ها و محافل مخالف دولت، باید به دو موضوع توجه داشت؛ نخست، سناریوی کلان این جریان که تحقق آن در میان مدت رخ خواهد داد و دیگری سناریوی کوتاه مدت و خردتر که ناظر به منافع است که از نظر ایشان لازم است در زمان کوتاهی رخ دهد. ناگفته نماند که این دو سناریو به هیچ وجه قابل انکار نیستند و بایسته است که حتماً در ذیل وجوه مختلف، مورد تحلیل قرار بگیرند و بدون تکلف و تعارف با آن مواجهه شد.

سناریوی نخست این جریان را از دل تولید محتوای رسانه‌ای ایشان می‌توان کشف و استنباط کرد؛ اگر به خروجی این ایام رسانه‌ها توجه شود و خطوط القایی ایشان، هم به صورت منفرد و هم به صورت مجموعی تحلیل شود، به یک هدف واحد می‌رسیم: تبدیل عملیات روانی به ناآرامی میدانی. خروجی تمام نشریات و پایگاه‌های خبری مخالف دولت از چند محور و روند عملیات روانی که قابلیت ایجاد تشویش روانی و تسری آن به عالم واقع را دارد، خالی نیست. القای حتمی بودن توافق و گشایش اقتصادی با هدف شرطی‌سازی ادراک عمومی و بازار ارز نسبت به لغو تحریم‌ها، امتداد و استمرار شایعه مسموم و غیرقابل مصرف بودن میوه‌های

